

صفحات ۱۷۱ - ۱۵۹

مقدمه و تحقیق رساله تعریف علم کلام محقق دوانی

حسین محمد خانی^۱

چکیده

رساله تعریف علم کلام محقق دوانی شرحی است بر بحث تعریف علم کلام در شرح مواقف میر سید شریف در شرح تعریف علم کلام، پنج مطلب ارائه می‌دهد. دوانی علاوه بر شرح آنها، به نقد نیز می‌پردازد. وی همچنین برخی اشکالات وارد شده را پاسخ می‌دهد که از جمله آنها اشکالات علاء الدین طوسی است.

به اعتقاد دوانی مقصود از قدرت تامه علم به عقایدی است که با آنها بتوان به ارائه دلایل و دفع شبهات پرداخت به عبارت دیگر متکلم کسی است که تصدیق به همه عقائد همراه با آمادگی برای استنباط بقیه وجوه استدلال و راههای دفع شبهات بر حسب حاجت برایش حاصل شده باشد.

محقق دوانی در ادامه رساله، تعریف تفتازانی در المقاصد را می‌آورد و به نقد و بررسی آن می‌پردازد.

رساله بر اساس نسخه‌های معتبر تصحیح شد و دو نسخه معاصر دوانی مورد توجه قرار گرفت که تاریخ کتابت یکی از آنها به زمان حیات ایشان باز می‌گردد.

واژگان کلیدی

محقق دوانی، تعریف علم کلام، قدرت تامه، نسخه‌های خطی، نسخه قدیمی

طرح مسأله

هدف از تعریف شناخت ماهیت شیء و یا تمیز آن از امور دیگر است. شناخت ماهیت شیء چنانکه پیداست در ماهیات و تمیز از امور دیگر در مفاهیم اعتباری مورد توجه است. تعریف علم کلام نیز بر اساس هدف دوم صورت می‌گیرد. بر این اساس تعریف به واسطه موضوع، هدف و یا روش انجام می‌شود.

تعاریف متعددی از علم کلام شده است که برخی ناظر به موضوع و یا هر سه مورد بوده‌اند:

الف- ابن خلدون کلام را علمی می‌داند که متکفل احتجاج و اقامه دلائل عقلی بر عقائد دینی و رد بدعت گذاران و منحرفان از روشهای پیشینیان و اهل سنت در اعتقادات می‌باشد.^۱ (ابن خلدون، ص ۴۵۸)

در این تعریف موضوع (عقاید دینی)، روش (دلایل عقلی) و هدف (دفاع از عقاید دینی) مورد توجه است. و از این جهت الگوی جامعی برای تعریف بکار رفته است ولی اشکال آن نادیده گرفتن روشهای دیگر مانند روش نقلی است بعلاوه آنکه دایره تعریف را در اهل سنت خلاصه می‌کند.

ب- از نظر شیخ صدوق کلام علمی است که با آن می‌توان عقاید مخالفان را بوسیله کلام خداوند و سنت معصومان یا تنها با تحلیل آراء آنها رد و ابطال کرد. (شیخ صدوق، ص ۴۵)

در این تعریف ابطال عقیده مخالفان به عنوان هدف و استفاده از کلام خداوند و سنت معصومان (ع) به عنوان روش لحاظ شده است. و از آنجا که در این تعریف ناظر به استفاده از روش عقلی است.

ج- شیخ طوسی کلام را دانشی می‌داند که در آن از ذات خداوند و صفاتش و مبدا و معاد بر اساس قانون شرع بحث می‌کند. بر اساس این تعریف حقیقت علم کلام خداشناسی است و روش نیز بهره‌گیری از شرع است. (شیخ طوسی، ص ۲۳۷)

۱ - هو علم يتضمن الاحتجاج عن العقائد الايمانية بالادلة العقلية و الرد على المبتدعه المنحرفين في الاعتقادات عن مذاهب السلف و اهل السنه.

برخی دیگر کلام را علم توحید و صفات دانسته اند. به اعتقاد آنها کلام، متکفل بحث درباره صفات و افعال الهی است^۱ (تفتازانی، ص ۱۲)

د- شهید مطهری در تعریفی کلام را علمی می خواند که درباره عقائد اسلامی یعنی آنچه از نظر اسلام باید به آن معتقد بود و ایمان داشت بحث می کند به این نحو که آنها را توضیح می دهد و درباره آنها استدلال می کند و از آنها دفاع می کند. (مطهری، ص ۹)

یکی از تعاریف مهمی که از کلام صورت گرفته، تعریفی است که ایجی در المواقف به آن پرداخته است. ^۲ بر این اساس، کلام علمی است که با آن از طریق ایراد استدلال و دفع شبهات بر اثبات عقائد دینی قادر می شویم. به بیان وی مقصود از عقائد، نفس اعتقاد است نه عمل به آن. مراد از دینی منسوب به دین محمد (ص) است. (ایجی، ص ۷)

در این تعریف به موضوع و هدف یعنی عقائد دینی و اثبات آنها و نیز شیوه بحث که همان استدلال است اشاره شده و روش را منحصر در دلیل عقلی ندانسته است.

جرجانی در شرح مواقف، در بیان تعریف ایجی، قید "علی الغیر" و "الزامه ایها" را به واژه اثبات می افزاید. به بیان وی مراد از علم، معنای اعم آن یا مطلق تصدیق است پس تعریف شامل عقاید باطله و ادله آنها نیز می شود. واژه "اقتدار" به معنای قدرت تام و معیت که به معنی مصاحبت دائمی است بیانگر آنست که تعریف بر علم به تمام عقاید و تمام ادله ای که اثبات این عقائد و دفع شبهات متوقف بر آنست منطبق است. نکته دیگر استفاده از واژه "اثبات عقائد" به جای تحصیل عقائد است که اشاره دارد به اینکه فایده علم کلام تنها اثبات برای غیر است و گرنه عقائد برای آنکه موثق و مورد اعتماد باشد باید از شرع اخذ شود. (جرجانی، صص ۳۸-۳۴)

تفتازانی در توضیح تعریف ایجی معتقد است معنای اثبات عقائد، تحصیل و اکتساب عقائد است به گونه ای که سبب رهایی از تقلید و حصول تحقیق باشد.

۱- تفتازانی در شرح المقاصد این قول را به قاضی ارموی نسبت می دهد. (تفتازانی، ج ۱، ص ۱۲)

۲- صاحب مواقف علم کلام را چنین تعریف می کند: علم یقندر معه علی اثبات العقائد الدینیہ بایراد الحجج و دفع الشبه

محقق دوانی تعریف و مقاصد علم کلام را در رساله ای مستقل می آورد و از این جهت نوآوری محسوب می شود.^۱ وی در این اثر ضمن توضیح مولفه های تعریف جرجانی، به نقد و بررسی شبهات وارد بر آن می پردازد.^۲

سید شریف در شرح خود بر مواقف عضدالدین ایجی، در تعریف علم کلام پنج بحث ارائه می کند این مباحث عبارتند از:

بحث اول: مراد از معنای علم در علم کلام معنای اعم یا مطلق تصدیق است.

بحث دوم: تعریف علم کلام بر علم به همه عقاید و طرق اثبات ادله و ردّ شبهات منطبق است.

بحث سوم: مصنف، بحث قدرت برای اثبات را مطرح کرده است زیرا قدرت بالفعل لازم نیست.

بحث چهارم: مباحث لغوی و اینکه مراد از باء در "بایراد" استعانه است نه سببیت.

بحث پنجم: حقیقت علم کلام و اینکه آیا حقیقت علم کلام تصدیق، مسائل یا ملکه استنباط است.

۱ - این رساله شرحی است بر بحث تعریف علم کلام در شرح المواقف (شرح میر سید شریف). او در این رساله علاوه شرح سخن سید شریف، به نقد و بررسی اعتراضات ملاعلی عران طوسی (علاء الدین علی بن محمد طوسی بتارکانی که آثاری از جمله حواشی شرح مواقف داشته است) بر سید شریف می پردازد. گفتنی است دوانی ابتدای رساله را با تعریف و تمجید از سید شریف آغاز می کند و در آن با الفاظی وزین از سید شریف با القاب سید المحققین و سند المدققین یاد می کند. او در ادامه متذکر می شود رساله را به خواهش دوستانش نوشته است. دوانی این رساله را (مانند اغلب آثارش که به نام بزرگان و امرای وقت نوشت) به نام میر محب الله پسرزاده امیر نعیم الدین نعمت الله ماضی نوشته و به هند فرستاده است. شوشتری، ج ۲، ص ۲۲۶؛ القسطنطنی، ج ۶، ص ۱۷۸)

۲ - رساله تعریف علم کلام محقق دوانی توسط اینجانب و بر اساس نسخه های معتبری از جمله نسخه خطی شماره ۳۹۷۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ نسخه شماره ۵۳۱۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ نسخه شماره ۴۶۶۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ نسخه مجموعه ۴۵۰۵ کتابخانه سپهسالار؛ نسخه مجموعه ۷۵۵ دانشگاه تهران و بر اساس سبک توأم تصحیح شده است.

محقق دوانی در توضیح مبحث اول اعتراضی را می آورد که بنابر آن در صورتیکه مراد از علم معنای اعم باشد که معنی مصطلح منطقیین است ، علاوه بر آنکه بر خلاف اصطلاح قوم است موافق لغت و شرع هم نیست پس حمل بر آن جایز نیست و به منزله بکار بردن مجاز در بیان حقیقت است که در بیان تعریف جایز نیست.^۱

به اعتقاد محقق دوانی بر این تقدیر لازم آید کسی که مسائل کلام را با دلائلش تصور کند و آنها را نزد خود حاضر کند بگونه ای که قادر بر الزام غیر باشد ولی هیچکدام از آنها را تصدیق نکند نیز از علماء کلام باشد حال آنکه شرط عالم بودن به علم ، تصدیق مسائل آن علم است.

حمل علم بر معنی تصدیق نیز به منزله اطلاق عام و اراده خاص است به نوعی مجاز است و ذهن هنگام اطلاق لفظ علم به تصدیق متمایل می شود .

وی پس از بیان موارد فوق متذکر می شود که اگر علم بر علم مدونی که شارح در سایر کتبش ذکر کرده - که عبارتست از مسائل مخصوص یا تصدیقات متعلق به آن یا ملکه ای که از تکرارشان حاصل می شود- حمل شود اشکالات و بحثها مطرح نمی شود چرا که علم به معنای مذکور به منزله جنس برای علوم مدون است و با این حمل شبهات دیگر نیز برطرف می شود. (دوانی ، صص ۲ و ۳)

دوانی در بیان بحث دوم به دفع سه ایراد (که آنها را از ناحیه فضلاء معاصرین می داند) وارد بر سخن سید شریف می پردازد.^۱ به نظر می رسد این اشکالات از سوی علاءالدین طوسی وارد شده باشد (اشکالات وارده و پاسخ دوانی به قرار زیر است :

الف - قدرت تامه به معنی علم به جمیع عقائد و ادله اثبات و طرق دفع شبهات نیست زیرا قدرت تامه بر اثبات یعنی متصف به آن قادر بر اثبات هر عقیده بر هر مخالفی باشد و هیچکدام از اهل کلام قادر بر آن نیستند زیرا احتمال دارد هر دو مخالف از اهل کلام باشند پس باید غیر را مقید کرده ، قدرت از قدرت تام حقیقی به مرتبه مادونش تنزل یابد .
محقق دوانی در پاسخ به این اشکال ، معتقد است مراد از قدرت تام آنست که

۱ - این اعتراض در حاشیه حسن چلبی بر شرح مواقف آمده است.

متصف به آن، علم به عقائد مستند به دلایل و راههای دفع شبهه داشته باشد بگونه ای که قادر بر اثبات بر هر مخالفی که خواست باشد (این امر از تعمیم غیر بدست می آید) وی می افزاید اگر کسی اشکال کند که از آنجا که به دلیل برخورد افکار شبهه ها هر روز اضافه می شود پس چگونه اهل کلام واجد طرق دفع شبهه ها به مواد و صورش باشند. در پاسخ می توان گفت آنچه در تعریف معتبر است اثبات برای غیر است که این امر بر دفع شبهه متوقف است نه بر دفع شبهه به صورت مطلق. (احاطه بر قدری که با آن بتواند شبهه گیری را مرتفع کند)

به بیان دوانی مقصود از قدرت تامه مرتبه ایست که فوق آن مرتبه دیگری نیست پس اگر بتواند به همه دلایل و راههای دفع شبهه احاطه داشته باشد همان مراد است و الا قدر ممکن احاطه بالفعل همراه با آمادگی برای استنباط بقیه مطالب است.

ب- تعریف مذکور بر علم به حجج و راههای دفع شبهات با قطع نظر از علم به نفس عقائد (یعنی تصدیق آنها) صادق است زیرا قدرت تامه با آن حاصل می شود و علم به عقائد نقشی در آن ندارد.

دوانی اشکال دوم را نیز وارد نمی داند بنابر آنکه اولاً نمی توان پذیرفت که علم به عقائد نقشی در قدرت تامه ندارد زیرا کسی که به امری اذعان و یقین ندارد بلکه آنرا بصورت حکایت گونه حفظ و روایت می کند قدرت تامه بر اقناع مخالفش ندارد الزامش با کمترین شبهه ممکن است. ثانیاً این امر وقتی لازم می آید که ثابت شود عقائد دخلی در دفع شبهه ندارد حال اینکه خلاف آن مسلم است. ثالثاً خود حجج و طرق از مسائل کلامند و تعریف علم کلام چنانکه بر همه مسائل صادق است بر قدری که با آن قدرت تامه حاصل می شود نیز صادق است.

وی ادامه می دهد مقصود علم به اندازه ایست که با آن قدرت بر شناخت همه مسائل برایش حاصل شود پس اگر علم بر علم بدون حمل شود نقض مذکور وارد نمی شود. (دوانی، صص ۴ و ۵)

ج- بنابر این تعریف لازم می آید علم جدل جزئی از کلام باشد زیرا قدرت تامه بر اثبات بدون آن حاصل نمی شود.

دوانی این ایراد را نیز وارد نمی‌داند. به بیان وی آن مقدار از علم جدل که قدرت لازم به متکلم می‌دهد مورد نیاز است نه اینکه علم جدل جزئی از کلام باشد و اگر همه مسائل جدل در قدرت تام دخلی داشته باشد جدل جزئی از کلام خواهد بود. (دوانی، صص ۷-۵)

دوانی در مبحث چهارم در بیان سخن سید شریف که "ان العقائد یجب ان تتلقى من الشرع لیعتد بها و ان کانت مما یستقل به العقل" به بیان چند دخل مقدر و دفع آنها می‌پردازد:

اشکال اول آنکه تعالیمی که مبنای شریعت اند نمی‌توانند از خود شریعت اخذ شوند چون این امر مستلزم دور است.

به بیان دوانی مراد از اخذ از شریعت، پیروی از شارع است بنابر حسن ظنی که بدان داریم همانطوریکه شاگرد از استاد، قضایایی را به عنوان مصادرات می‌پذیرد و این امر مستلزم دور نیست، تنها در صورتی این امر مستلزم دور است که با این اخذ، درصد اثبات یا تحصیل آن باشیم و فقط هرگاه از شرع اخذ نشده باشد آن را به شمار نمی‌آوریم بنابر آنکه در آن تعبد نیست پس درخور ثواب، زیرا ثواب صرفاً بر امتثال فرمان و تعبد مترتب می‌شود درحالیکه تعبد و امر در این حالت وجود ندارد.

اشکال دوم اینکه به فرض پذیرش اخذ از شرع، در تعریف اشاره ای بدان نیست بلکه تعریف می‌گوید ثمره کلام تحصیل نیست و از این امر لازم نمی‌آید عقائد از شرع بدست آیند چراکه عقائد خود از مسائل علمند و چگونه تعریف بیانگر آن باشد که باید از غیر از این علم اخذ شوند.

به بیان وی وقتی ثمره کلام اثبات عقائد است فهمیده می‌شود کلام از علوم نظری که غایتش خودش است نیست پس نفس عقائد، مطلوب نیست و معلوم است که عقائد مطلوب لذاته اند پس اگر از کلام بدست آیند ثمره کلام الزام غیر نخواهد بود بلکه ثمره کلام نفس عقائد می‌شود (چنانکه شان علوم نظری است) و وقتی از کلام تلقی نمی‌شوند باید از شرع تلقی شوند چرا که ثمره علم دیگر نیست. (دوانی، ص ۱۳)

دوانی معتقد است خلاصه کلام شارح آنست که آنچه در کلام معتبر است آنست

که نزد متکلم نسبت به عقائد حصول بالفعل و نسبت به سایر وجوه استدلال و راههای دفع شبهات آمادگی داشته باشد. یعنی تصدیق به عقائد و آمادگی برای استنباط سایر وجوه استدلال و راههای دفع شبهات داشته باشد.

دوانی در بحث پنجم ضمن بیان حقیقت علم کلام معتقد است در علم کلام حصول طرفی از مسائل که سبب قدرت بر استنباط می شود معتبر است لذا در تعریف اصل قدرت معتبر است - در هر مرتبه ای که باشد - از اینرو اگر کسی با حصول طرفی قدرت برای تحصیل مابقی داشته باشد ملازمه مسلم است. نکته دیگر اینکه به اعتقاد دوانی ایراد شبهه ناشی از نادیده گرفتن تفاوت قدرت و تهیؤ است حال آنکه قدرت اخص از تهیؤ است. (دوانی، ص ۱۴)

نقد و بررسی تعریف تفتازانی در المقاصد

تفتازانی کلام را به "علم به عقائد دینی از راه ادله یقینی" تعریف می کند که عقائد غیر محصور (بی شمار) دارد و در آن علم به همه عقائد -البته به اندازه توان انسان- یا ملکه متعلق به آن بگونه ای که از مآخذ و شرایط به اندازه ای که برای تحصیل عقیده لازم است معتبر است.^۱ شرح المقاصد، ج ۱، ص ۱۶۳، ج ۱، ص ۱۶۳)

محقق دوانی در نقد این تعریف می گوید بنا بر این تعریف علم به معنی تصدیق و یا ملکه استنباط است و در هر دو صورت محل بحث است.

الف- اگر علم را به معنی تصدیق بگیریم بنابر آنکه علم به همه عقائد بر اساس عدم انحصارشان مقدور نیست. مقید کردن به قدر طاقت بشری نیز کار ساز نیست چرا که: اگر مقصود همه آنچه در طاقت بشر است باشد تا اینکه لازم نیاید در آن علم به همه عقائد به صورت مطلق معتبر باشد که در اینصورت طاقت و توان بشری متفاوت است.

اگر در هر فرد به قدر طاقتش معتبر باشد که در اینصورت لازم آید هر کس به مساله واحدی از عقائد علم داشته باشد متکلم باشد چرا که توانش به همین مقدار بوده است.

اگر توان نوع در ضمن همه افراد مراد باشد لازم آید هیچ فردی عالم نباشد. اگر

توان نوع در ضمن فرد واحد باشد لازم آید هیچ فردی غیر از آن که در طبقه بزرگان است متکلم نباشد و این خلاف اجماع علما است.

ب- در صورتیکه علم به معنای ملکه یعنی ملکه استنباط باشد بنا بر آنکه مراتب آمادگی و تهیو متفاوت است پس:

اگر آمادگی قریب مد نظر باشد که بر اساس حصول مبادی قریبه حاصل می شود در اینصورت لازم آید برای متکلم همه مبادی قریب برای همه عقائد حاصل شود و وقتی عقائد غیر محصورند مبادی نیز غیر محصورند.

اگر آمادگی بعید یا مطلق تهیو مراد باشد لازم آید کسی که چیزی از عقائد نمی داند نیز متکلم باشد.

دوانی در ادامه متذکر می شود وجه خلاص از این موارد آنست که معتبر در کلام حصول مقداری است که با آن قادر بر استنباط بقیه مسائل باشد. و به عبارتی اصل قدرت در هر مرتبه ای که باشد معتبر است. یعنی همین که بتواند با عقائدی که دارد بقیه مباحث را استنباط کند کافی است.

به بیان محقق دوانی قدرت بر استنباط جمیع مسائل وقتی بدست می آید که از هر بابی از آن علم مسائلی نزدش باشد که با آن بر استخراج بقیه مطالب قادر باشد خواه این امر به سختی یا سهولت انجام شود و اشکال از ناحیه عدم تفاوت بین قدرت و تهیو بر آن ناشی می شود. (قدرت اخص از تهیو است) (دوانی، ص ۱۵ و ۱۶)

نتیجه گیری

چنانکه گذشت جرجانی با اضافه کردن دو قید علی الغیر و الزامه ایها سعی در متمیم تعریف ایجی داشت. . جرجانی علم را به معنی اعم یعنی مطلق تصدیق تعبیر می کرد و محقق دوانی در توضیح این مطلب، علم را مسائل مخصوص یا تصدیقات متعلق به آن یا ملکه ای که از تکرارشان حاصل می شود می دانست و نه معنای عام آن. به اعتقاد دوانی در صورتی که علم را در معنای اعم لحاظ کنیم اشکالاتی وارد می شود.

نکته دیگری که دوانی در تعریف مد نظر دارد این است که منظور از قدرت تام بر اثبات عقائد چیست اگر مقصود اثبات هر عقیده بر هر مخالفی باشد که برای هیچکدام از

اهل کلام ممکن نیست. به بیان دوانی استفاده از عبارت علی الغیر در تعریف مبین آنست که اگر متکلم دارای این قدرت باشد که علم به همه عقائد مستند به دلائل و راههای دفع شبهات داشته باشد بگونه ای که قادر بر اثبات بر هر مخالفی که خواست باشد فهو المراد و اگر در این حد برایش مقدور نبود قدر ممکن احاطه بالفعل همراه با آمادگی برای استنباط بقیه مطالب است به بیان دیگر در تعریف، اصل قدرت معتبر است در هر مرتبه ای که باشد حال اگر شخصی با حصول طرفی، قدرت برای تحصیل مابقی داشته باشد ملازمه برقرار است.

به نظر می رسد بیان دوانی در اینجا در خور توجه است چرا که قطعاً کسی از متکلمین نمی تواند ادعا کند به همه عقائد احاطه بالفعل دارد و قادر بر اثبات بر هر مخالفی است و توانایی پاسخ به هر شبهه ای را دارد بلکه در همین اندازه که بتواند با علمی که دارد توانایی استنباط و ارائه دلیل داشته باشد کافی است حال در هر مرتبه ای که باشد قدرت بیشتری دارد.

ضمیمه : صفحه‌ای از اول و آخر نسخه خطی اصل کتاب تعریف علم کلام محقق دوانی



صفحه اول نسخه دا (نسخه کتابخانه مرکزی)

فهرست منابع

- ۱- دوانی، محمد بن اسعد، رساله تعریف علم کلام، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران
- ۲- شوشتری، قاضی نور الله، (۱۳۵۴ ش)، مجالس المؤمنین، کتابفروشی اسلامیه، ج ۲.
- ۳- القسطنطنی، مصطفی بن عبد الله (معروف به حاجی خلیفه)، (۱۴۱۴ هـ) کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، انتشارات دارالفکر، ج ۶،
- ۴- ایجی، عضدالدین عبدالرحمن، (۱۴۱۲ هـ)، المواقف و شرحها، انتشارات الشریف الرضی، قم.
- ۵- تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله، (۱۴۰۹ هـ)، شرح المقاصد، شریف رضی، چاپ اول، قم،
- ۶- ابن خلدون، مقدمه، دار العلم، بیروت
- ۷- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۷۱ ش)، اعتقادات، ترجمه سید محمد علی حسنی، تهران، انتشارات رضوی.
- ۸- طوسی، ابوجعفر، (۱۳۵۱ ش)، شرح العبارات المصطلحه عند المتکلمین، تحقیق محمد تقی دانش پژوه، مشهد، الذکری الالفیه للشیخ المفید.
- ۹- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (کلام و عرفان) انتشارات صدرا.